

معرفی و تحلیل سبک‌شناسانه نسخه خطی مثنوی بحرالدین سروده علاءالدین کرمانی

مریم دُرپر*، مژگان میرحسینی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کوثر، بجنورد، ایران.

سال هجدهم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۸، صص ۱۰۹-۸۵

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8051>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: خمسه محیره، سروده علاءالدین کرمانی به پیروی از سنت خمسه‌سرایی نظامی شکل گرفته است. این پژوهش به معرفی و بررسی بخش دوم منظومه پنجم این مجموعه، با عنوان بحرالدین، به عنوان نمونه‌ای ناشناخته از ادبیات دینی با محوریت سیره نبوی میپردازد و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: مهمترین ویژگیهای سبکی و درونمایه‌های این منظومه چیست و چگونه بازتاب‌دهنده سنت سیره‌نویسی در قرن نهم است؟ هدف پژوهش معرفی این نسخه خطی به عنوان گامی در جهت تکمیل سنت خمسه‌سرایی و حماسه‌های دینی منظوم در تاریخ ادبیات فارسی است.

روش: پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به داده‌ها و اسناد کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده مورد مطالعه یا پیکره متنی عبارت است از نسخه خطی موجود در کتابخانه دانشگاه استانبول که در ردیف FY با شماره ۱۳۹۸ نگهداری میشود.

یافته‌ها: این منظومه با استفاده از بحر متقارب و لحن حماسی، ترکیبی از واژه‌های عربی (به وفور)، گاهی واژه‌ها و ترکیبات بدیع فارسی، اصطلاحات عرفانی، گاه اصطلاحات فلسفی و نیز کاربرد پرسامد صنایع بدیعی نظیر تشبیه، استعاره و اغراق، انواع جناس، انواع ردیف اعم از اسمی، فعلی، ضمیر، حرف، ترکیبی با بسامد ردیف فعلی، ترصیع، موازنه و تصدیر ویژگیهای زبانی و بیانی خاصی دارد. ساختار روایی اثر از تولد تا رحلت پیامبر را با تمرکز بر غزوات، جانشینی و رویدادهای تاریخی شامل میشود.

نتیجه‌گیری: در این منظومه شاعر با تلفیق عناصر ستایشی، حماسی و عرفانی، اثری خلق کرده که علاوه بر کارکرد ادبی، نقش آموزشی و تبلیغی در ترویج اسلام و عشق به پیامبر(ص) ایفا میکند. ویژگیهای مذکور در یافته‌های تحقیق آن را به نمونه‌ای برجسته از سیره‌نگاری منظوم و بازتابی از سنت ادبی قرن نهم تبدیل کرده است. معرفی این نسخه گامی در جهت تکمیل تاریخ ادبیات حماسی-دینی و سنت خمسه‌سرایی فارسی محسوب میشود.

تاریخ دریافت: ۰۵ مهر ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۰۷ آبان ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۲۲ آبان ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۰۶ دی ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

طرازالنبوه، بحرالدین، کوکبی، نسخه خطی، ادبیات دینی، خمسه‌سرایی.

* نویسنده مسئول:

✉ dorpar90@gmail.com

☎ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction and Stylistic Analysis of the Manuscript of the Mathnavi Bahr ol-Dorrayn by Alaoddin Kermani

M. Dorpar*, M. Mirhosseini

Department of Persian Language and Literature, Kosar University, Bojnourd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 september 2025

Reviewed: 29 October 2025

Revised: 13 Novembr 2025

Accepted: 27 December 2025

KEYWORDS

Tarāz ol-Nabowvah, Bahr ol-Dorrayn, Kokabi, manuscript, religious literature, Khamseh-e-Sara'i.

*Corresponding Author

✉ dorpar90@gmail.com

☎ (+98)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Khamseh Mohaiiareh, a poem by Alaoddin Kermani, is formed following the tradition of military Khamseh Sarai. This research introduces and examines the second part of the fifth poem of this collection, titled Bahr al-Drin, as an unknown example of religious literature centered on the Prophet's life and answers these questions: What are the most important stylistic features and themes of this poem and how does it reflect the tradition of writing biography in the ninth century? The aim of the research is to introduce this manuscript as a step towards completing the tradition of Khamseh Sarai and religious epics in verse in the history of Persian literature.

METHODOLOGY: The present research is a theoretical study conducted using a descriptive-analytical method and based on library data and documents. The scope of the study or text corpus is the manuscript available in the Istanbul University Library, which is kept in the FY collection with the number 1398.

FINDINGS: This poem has specific linguistic and expressive features by using a close-knit and epic tone, a combination of Arabic words (in abundance), sometimes Persian words and novel combinations, mystical terms, sometimes philosophical terms, as well as the frequent use of novel techniques such as simile, metaphor and exaggeration, types of puns, types of lines including noun, verb, pronoun, letter, combination with the frequency of the verb line, rhythm, balance and subjectivity. The narrative structure of the work includes the birth to the death of the Prophet, focusing on the expeditions, succession and historical events.

CONCLUSION: In this poem, the poet has created a work that, in addition to its literary function, plays an educational and propagandistic role in promoting Islam and love for the Prophet (PBUH). The features mentioned in the research findings have made it an outstanding example of a poetic biography and a reflection of the literary tradition of the ninth century. The introduction of this manuscript is considered a step towards completing the history of epic-religious literature and the Persian tradition of Khamseh-e-Sara'i.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8051>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 16	 1	 1

مقدمه

در ذیل معرفی حماسه‌های تاریخی و دینی سده نهم، بیشتر از حماسه‌های تاریخی نام برده شده است؛ از جمله *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی (م ۸۵۸ هـ)، *بهم‌نامه آذری* (م ۸۶۶ هـ)، *تمرنامه* یا *تیمورنامه هانفی* خرجردی (نک. صفا، ۱۳۶۴، ج ۴: ۱۹۰-۱۹۱). معروفترین منظومه حماسی دینی در این قرن *خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی* است که شاعر آن را به سال ۸۳۰ ق در ذکر سفرها و جنگهای علی (ع) سروده است (همانجا). منظومه *طراز‌النبوه* که بخش دوم آن «مسمی به بحرالدین» است، از نظر محتوایی در گونه (ژانر) حماسه‌های دینی و از نظر قالب در گونه (ژانر) *خمسه‌سرایی* جای می‌گیرد و از جمله متونی است که با وجود ارزش ادبی و تاریخی، تاکنون در محقق گمنامی بوده است؛ این اثر می‌تواند نمایانگر جریانی از ادبیات با محوریت تکریم پیامبر اسلام و نیز بخشی مکمل از سنت *خمسه‌سرایی* فارسی (به تقلید از *خمسه نظامی*) باشد. همچنین، این اثر، به عنوان یک منظومه کامل با موضوع سیره نبوی، می‌تواند زوایای جدیدی از تاریخ ادبیات دینی، سبک‌شناسی شعر مذهبی و مناسبات فکری عصر اواخر دوره تیموری و اوایل صفوی را روشن کند. مسئله اصلی این پژوهش، فقدان شناخت درباره ساختار شعری، درون‌مایه‌ها و جایگاه این اثر در سنت حماسه‌های دینی و *خمسه‌سرایی* ادب فارسی است. پرسشهایی که بدان پرداخته میشود، عبارتند از:

۱. ویژگیهای سبک‌شناسی این منظومه کدامند؟

۲. محورهای اصلی محتوایی و درونمایه‌های این اثر در توصیف سیره نبوی چیست؟

۳. چگونه این اثر بازتاب‌دهنده سنت سیره‌سرایی در قرن نهم هجری است؟

به نظر میرسد سبک شعری *بحرالدین*، تلفیقی از سبک خراسانی (حماسه) و سبک عراقی (عرفان) و درونمایه اصلی آن، ترکیبی از حماسه (در توصیف غزوات پیامبر)، مدیحه‌سرایی (ستایش پیامبر (ص)) و عناصر عرفانی باشد که با تمام ویژگیهای مذکور، بازتاب‌دهنده سنت سیره در قرن نهم است.

هدف پژوهش حاضر، معرفی و احیای بخش دوم *طراز‌النبوه* مسمی به *بحرالدین* به عنوان متنی ارزشمند از ادبیات دینی دوره مذکور است.

درباره *خمسه‌سرایی* پژوهشهایی در قالب کتاب و مقاله انجام شده است؛ از جمله *رستگارفسای* (۱۳۸۶) در «*خمسه* - سرایی در ادبیات فارسی» یا ستارزاده درباره پنج گنج نظامی و پیروان او صحبت کرده و مجیدی کتابی با نام *خمسه‌سرایی* در این زمینه دارد و اعظزاده و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «*خمسه‌سرایی* تا *خمسه‌پژوهی*» معرفی، نقد و بررسی پژوهشهای صورت گرفته در این زمینه را مد نظر قرار داده‌اند. اما تا جایی که نگارندگان جستجو کرده و اطلاع یافته‌اند تاکنون پژوهش مستقلی که به طور خاص به تحلیل منظومه *طراز‌النبوه* و به‌ویژه *بحرالدین* بپردازد، انجام نشده است. در کتاب *شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی* (راشد محصل، ۱۳۱۵) معرفی این نسخه بسیار مختصر آمده است: «*طراز‌النبوه*، کوکبی؟، حماسه‌ای دینی در تاریخ اسلام است. آغاز: خدا کز دهان در تر آفرید*» زبان ساخت آن درج در را کلید». در معرفی مختصر مذکور از کتاب مذکور، دو نکته حائز اهمیت است؛ نخست این که نام شاعر با علامت سؤال آمده یعنی مجهول‌الهویه معرفی شده و دیگر این که مصراع نخست اشتباه خوانده شده و به جای واژه «حمد»، واژه «تر» آمده است. مرتبط‌ترین پژوهش به تحقیق حاضر، مقاله «سبک‌شناسی مثنوی فهرست جهان از *خمسه مخیره/ محیره* اثر علاءالدین کرمانی، شاعر قرن نهم هجری» (جان و همکاران، ۱۴۰۳) است. نویسندگان مقاله مزبور، دومین مثنوی از *خمسه مخیره* به نام *فهرست جهان* را معرفی کرده‌اند و از آنجایی که نسخه مورد استفاده در مقاله مذکور، همین نسخه‌ای است که در پژوهش حاضر مورد

استفاده قرار می‌گیرد، در بخش معرفی نسخهٔ *خمسهٔ علاءالدین کرمانی* همانندی دارد؛ با این تفاوت که در آن مقاله، منظومهٔ *فهرست جهان* که بسیار کوتاه است (۳۶ برگ) معرفی شده و در پژوهش حاضر بخش دوم منظومهٔ پنجم، *بحرالدرین* که حجیمترین بخش این *خمسه* است (۳۱۰ برگ/ ۶۲۰ صفحه) معرفی می‌شود. با توجه به این که تاکنون پژوهشی در ارتباط با *بحرالدرین* انجام نشده، این پژوهش می‌تواند گامی نخست در معرفی این اثر باشد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام میشود و داده‌ها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و از طریق منابع اسنادی (نسخهٔ خطی *بحرالدرین* موجود در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول به شمارهٔ ۱۳۹۸) گردآوری می‌گردد. روش تحلیل داده‌ها، به روش معمول در پژوهش‌های مربوط به نسخه‌پژوهی، تحلیل محتوا و سبک‌شناسی (در سه سطح زبانی، ادبی و فکری/ درونمایه‌ها) خواهد بود.

بحث و بررسی

خمسه‌سرای در عثمانی به تقلید از *خمسهٔ حکیم نظامی* (۵۳۰-۱۴ق) رواج یافت. اولین فردی که به نظیره‌سازی آثار نظامی اقدام کرد، *امیر خسرو دهلوی* بود که صدسال پس از نظامی دست به چنین کاری زد (برتلس، ۲۵۳۵: ۱۷۴). علاوه بر این، سرودن *خمسه* توسط *عبدالرحمان جامی* (۸۱۷-۸۹۸ق) در دورهٔ تیموری سبب گسترش *خمسه‌سرای* در ایران، هند و عثمانی در قرن ۹ و ۱۰ق شد. *امیر علیشیر نوایی* (۸۴۴-۹۰۶ق) به‌عنوان اولین *خمسه‌سرای* ترک نیز به تشویق جامی، *خمسهٔ خود* را به زبان ترکی جغتایی سرود (رادفر، ۱۳۷۱: ۴۲۴). فتح‌الله عارف (۹۶۹ق) و *عبداللطیف افلاطون شروانی* (۹۷۷ق) از *شهنامه‌سرایان* عثمانی نیز صاحب *خمسه* هستند (صفا، ۱۳۷۱، ۵: ۵۸۸). *خمسه‌سرای* پس از جامی در ادب فارسی رو به زوال و در ادبیات ترکی شاهد رشد و توسعه بوده است.

خمسهٔ محیره منظومه‌ای است که به پیروی از *خمسهٔ نظامی* در قرن ۹ق توسط *علاءالدین کرمانی* (۸۳۸-۹۳۰ق) سروده شده است. *عبدالوهاب بن محمد محمودبن محمد عمر کرمانی* مشهور به *ملا علاءالدین کرمانی* نقشبندی شافی متخلص به *کوکبی* در کرمان متولد شد و دوران کودکی و نوجوانی را در آنجا گذراند. برای ادامهٔ تحصیلات به هرات رفت و در ریاضیات، نجوم، کلام و ادبیات آموزش دید. از *خمسهٔ محیره* دو نسخه در کتابخانه‌های دانشگاه استانبول و ایاصوفیه نگهداری میشود. این اثر شامل پنج مثنوی است که به ترتیب قرارگرفتن در نسخ عبارتند از: *آینهٔ دل*، *فهرست جهان*، *انوارالمحبه*، *ابواب‌الجنه*، *طراز‌النبوه*. مثنوی *طراز‌النبوه* شامل دو بخش است با عناوین *درالبحرین* و *بحرالدرین*. یک نسخه از مثنوی *طراز‌النبوه* در کتابخانهٔ مرکزی تبریز با شمارهٔ ۱۵۲۲۹۳۶ نگهداری میشود (جان و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۴۵). نسخهٔ مورد پژوهش در جستار حاضر نسخهٔ موجود در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است که در ردیف ۴۷ با شمارهٔ ۱۳۹۸ ثبت شده است؛ بر روی جلد آن نقش ترنج به رنگ لاجورد در وسط و در چهار گوشه لچکی قرار دارد. داخل ترنج و اطراف آن با گل و برگ و طرح‌های اسلیمی پر و با گره‌ها و انشعابات کامل شده. لچکیها نیز دارای زمینهٔ لاجورد و تذهیب زرکوب است. در صفحهٔ نخست نسخه نقش شمس وجود دارد با ۱۲ خانه که در شش خانه عنوان هر یک از منظومه‌های این *خمسه* با رنگ لاجورد و به خط نسخ نوشته شده است. خانه‌ها یک در میان به رنگ طلایی و لاجوردی است. در مرکز شمس عبارت «سلطان‌الدین و خاقان‌البحرین سلطان‌بایزیدبن سلطان محمدبن مرادخان» بیانگر آنست که این نسخه در زمان حکومت سلطان بایزید دوم عثمانی (۸۸۵-۹۱۷ق) کتابت شده است.

کوکبی خمسهٔ خود را تحت تأثیر *خمسهٔ نظامی* سروده است؛ دربارهٔ عنوان این اثر، به این دلیل که در مقدمهٔ هر دو نسخهٔ کتابخانهٔ دانشگاه استانبول (به شماره ثبت ۱۳۹۸ و تاریخ کتابت ۹۱۳) و کتابخانهٔ ایاصوفیه (به شمارهٔ

ثبت ۳۸۵۵ و تاریخ کتابت ۹۱۵ ه. ق.) نام آن خمسه محیره ضبط شده است، عنوان محیره به معنای حیرت انگیز ترجیح دارد (جان و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۴۵) همچنین باتوجه به ضبط مذکور «در اثر دیگری با عنوان «فضایل مکه» از شاعر بزرگ ترک، که ترجمه اثر قطب‌الدین محمدبن علاءالدین احمد مکی نهروالی، از علمای حنفی هند، از شخصی به نام علاءالدین کرمانی نام برده که اثری با عنوان خمسه محیره دارد» (همانجا)، عنوان محیره قابل تأیید است.

از آنجا که بحرالدین قسمت دوم مثنوی پنجم او یعنی طراز‌النبوه است، در آن به این مطلب اشاره نکرده که این مثنوی را به تقلید از کدام منظومه نظامی سروده؛ اما با توجه به وزن و بحر این منظومه که همانند اسکندرنامه نظامی فعولن، فعولن، فعل (بحر متقارب مثنی محذوف) است و موضوع آن که تاریخی، حکمی و حماسی است میتوان گفت شاعر مثنوی طراز‌النبوه را به تقلید از اسکندرنامه سروده است. این مثنوی همچون اسکندرنامه نظامی که به دو بخش شرفنامه و اقبالنامه تقسیم شده، دو بخش به نام‌های درالبحرین و بحرالدین دارد.

ویژگیهای ظاهری نسخه بحرالدین

نسخه خطی خمسه مذکور، ۵۳۱ برگ دارد، از برگ ۲۱۲ تا ۵۳۱ به بحرالدین اختصاص یافته است که مجموع برگ ها ۳۱۰ برگ برابر با ۶۲۰ صفحه است؛ فهرست جهان ۳۶ برگ است (نک. جان و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۴۶) و مابقی (۱۸۵ برگ) اختصاص مییابد به منظومه‌های آینه دل، انوارالمحبه، ابواب‌الجنه و طرف نخست طراز‌النبوه که درالبحرین نام دارد. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر، جهت دقت بیشتر در ارجاع‌دهی، شمارش صفحات منظومه بحرالدین از ۱ و براساس برگ انجام شده است و نه بر مبنای شماره صفحات کل خمسه که احتمالاً توسط نسخه‌شناس با مداد سیاه در سمت چپ برگها نوشته شده است، همچنین جهت رعایت اختصار در ارجاع، نام نسخه تکرار نشده و فقط به ذکر شماره برگها (ر: صفحه رو و پ: صفحه پشت) بسنده شده است.

هر برگ به چهار ستون تقسیم و جدول‌بندی و در هر سطر دو بیت با خط نستعلیق به رنگ مشکی نگارش شده است. این خط از اوایل قرن ۹ق در میان نسخه‌نویسان عثمانی و شبه قاره هند رواج یافت (عظیمی، ۱۳۸۹: ۳۱). عنوانها در این اثر به رنگ شنگرف مییابد و صفحاتی که عنوان ندارد شامل ۴۰ بیت در دو ستون است. صفحه آغازین این اثر آراسته به تذهیب‌کاری است که شامل سرلوح مستطیلی با زمینه لاجوردی است و به دو بخش با طرح‌های اسلیمی ریز (در قسمت بالا) و طرح‌های اسلیمی درشت (در قسمت پایین) تزیین شده است. طرح‌های مذکور گل‌هایی به رنگهای قهوه‌ای، آجری، فیروزه‌ای و صورتی است. چیدمان گلها در قسمت پایین به صورت دو لوزی بزرگ همراه با چینش منظم مستطیل گونه دیگر گل‌ها پیرامون آن است که با نقش بته جقه از هم جدا میشود و در قسمت بالا چینش مثلثی دارند. برگهای سه‌گانه سفید تکمیل‌کننده این طرح است.

نسخه با «بسم الله الرحمن الرحيم و الصلوة على محمد نبي الكريم و على آله و اصحابه اهل الرضا و التسليم» آغاز شده و در ادامه به نام کتاب و نحوه آغاز آن با توحید و تحمید اشاره کرده است: «طرف دوم طراز‌النبوه که مسماست بحرالدین و افتتاح او بغوص در بحر تحمید جهت استخراج در توحید که طلب کلید باب فتح هر امر ذی بال و سبب مزید هر نعمت و نوالست

خدا کز دهان در حمد آفرید زبان ساخت آن درج در را کلید»

(نسخه بحرالدین، ۱)

این متن دارای رکابه است که نوعی صفحه‌شمار محسوب می‌شود؛ بدین منظور، اولین کلمه نگارش شده در برگ بعد در قسمت پایین سمت چپ برگ قبل با قلمی نازک‌تر نوشته شده است. این نسخه، ترقیمه (انجامه) نیز دارد به شکل مثلث حاوی نام کاتب، مکان و تاریخ کتابت به حروف ابجد:

«من کتابت تمام چون کردم گشت تاریخ او کتابت من

کتبه العبد الفقیر المحتاج الی رحمہ اللہ الواحد الاحد سلطان احمد تجاوز اللہ من سیئاتہ بدار السلطنہ قسطنطنیہ حمیت عن الآفات و البلیہ» (۳۱۱پ) که نشان می‌دهد فردی به نام سلطان احمد نگارش این نسخه را در سال ۹۱۳ هـ ق در قسطنطنیه به پایان برده است.

پیش از کتابت ترقیمه، در دو رباعی، به نام شاعر اشاره شده است:

هان کوکبی این زبان‌درازی تا چند ای پیر چو کودکانت بازی تا چند
و له ایضاً:

ای کوکبی از یرده برون مفکن راز کوتاهی عمر بین مکش قصه دراز
(۳۱۱ر)

گفتنی است که کل خمسۀ محیره حدود ۳۷ هزار بیت دارد و بحرالدیرین بالغ بر ۲۰ هزار بیت آن را به خود اختصاص داده است.

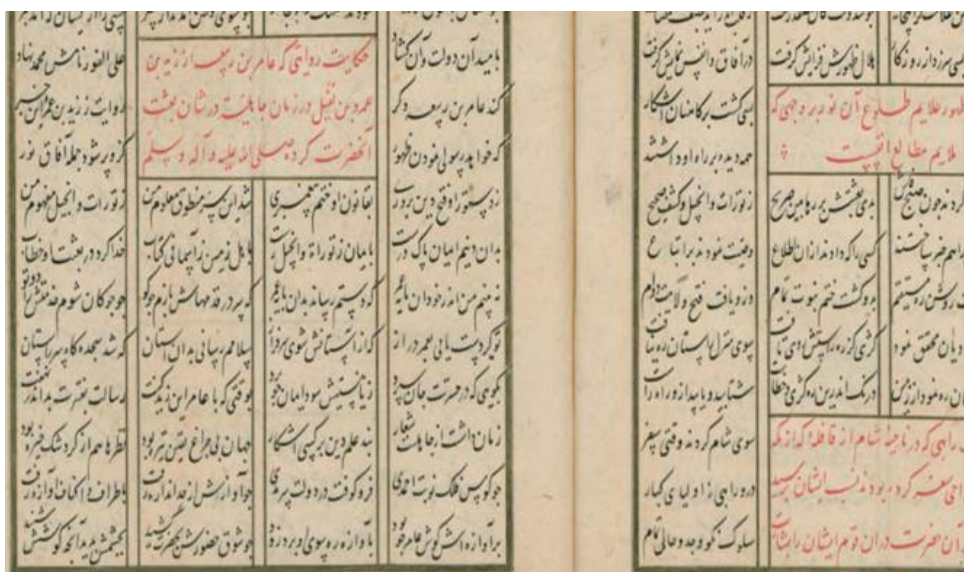
ویژگیهای رسم‌الخطی نسخه بحرالدیرین

این نسخه دارای ویژگی رسم‌الخطی خاصی نیست که آن را از سایر آثار متمایز گرداند. در این نسخه همه جا بجای «ای»، «ه» نوشته شده:

ولیکن خدا نیستی بندۀ همه بندگان نوازندۀ
(۴ر)

در کل متن، «ه» در کلمات مختوم به این حرف، در اتصال به علامت «ها» جمع از کلمه حذف شده، مانند: اندیشهها (=اندیشه‌ها)، پیشها (=پیشه‌ها) (۱۵ر)

شیوۀ کتابت تا اوایل قرن ۷ هـ ق قاعدۀ ثابتی نداشته مثلاً صامت «پ» و «چ» گاه با یک نقطه و گاه با سه نقطه نوشته می‌شده (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۱۲). در بحرالدیرین نیز این قاعده وجود دارد یعنی در بیشتر موارد، «پ» به صورت «ب» نگارش شده، به‌عنوان مثال بنهان (پنهان) (۵پ)، بر غبار (پرغبار) (۶ر). همچنین برای تزیین خط در زیر حرف «س» سه نقطه گذاشته شده، مانند نوع نگارش کلمات «رسولی، دستور، سر، آسمانی، دستم، رساند، دست، آستانش، سلامم، کوس، سرمدی، سوی» در نمونۀ زیر:



برگ ۳ نسخه بحرالدین

همچنین نگارش «چ» به صورت «ج» مانند «جو، جوگان، آنچه» و «پ» به صورت «ب» مانند «دین‌بروری، بیغمبری» و «ک» به صورت «گ» مانند «کوش، کوشش» در نمونه بالا قابل توجه است. حروف اضافه «به» و انواع «را» به اسم یا کلمات پیش از خود به صورت پیوسته نوشته شده است، مانند: بقامت، بگیتی (۱۱پ)؛ جهانرا (۲۶۰پ). همچنین فعل «است» پیوسته با کلمه قبل از خود نگارش شده، مانند: منست (۷ر).

سبک‌شناسی مثنوی بحرالدین

مهمترین جنبه تعریف سبک، گروهی از ویژگی‌های مشابه یا آن دسته از ویژگی‌های زبانی است که خصیصه محسوب شوند و در اصطلاح ادبی، شیوه خاص یک اثر ادبی است و مجموعه ویژگی‌های زبانی و ادبی که فرد در نحوه بیان اندیشه بکار میگیرد را سبک میگویند. بنابر سبک‌شناسی تاریخی (نک. بهار، ۱۴۰۳ و شمیسا، ۱۳۹۹) این ویژگی‌ها در سه سطح زبانی، ادبی و فکری قابل بررسی است. با توجه به حجم گسترده منظومه (بالغ بر بیست هزار بیت)، جهت تحلیل ویژگی‌های سبکی، حدود پنج هزار بیت به عنوان نمونه آماری خوانده شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

سطح زبانی

در سطح زبانی، ویژگی‌های آوایی، لغوی و نحوی اثر بررسی میشود که مواردی چون نوع واژه‌ها، ترکیبات، افعال، حروف اضافه و موسیقی را دربرمیگیرد. در ادامه به مهمترین و پربسامدترین ویژگی‌های زبانی بحرالدین پرداخته میشود.

سطح آوایی (موسیقایی)؛ در این سطح، موسیقی بیرونی و کناری به بررسی وزن و قافیه و ردیف اختصاص دارد و موسیقی درونی با تبیین صنایع بدیعی لفظی چون سجع، جناس، تکرار، واج‌آرایی در ارتباط است (شمیسا، ۱۳۹۹: ۲۱۶).

موسیقی بیرونی: کوکبی این منظومه را به پیروی از اسکندرنامه نظامی در قالب مثنوی سروده و وزن آن به تبع

«فعولن فعولن فعول» است یعنی بحر متقارب مثنی مقصور مناسب بیان مضامین حماسی و پهلوانی و شرح دلاوری‌هاست.

موسیقی کناری: موسیقی کناری شامل جلوه‌های موسیقایی حاصل از ردیف و قافیه است. بیشتر ابیات این منظومه فاقد ردیف است و شاعر خود را به استفاده از آن ملزم نکرده اما انواع ردیف اعم از اسمی، فعلی، ضمیر، حرف، ترکیبی با بسامد ردیف فعلی در آن مشاهده میشود، از جمله:

ترکیبی: درافشان بحر کرم بهر تست ظهور حدوث از قدم بهر تست
(نسخه بحرالدین، ۲۶۶ر)

فعلی: که هریک بیا تا دعایی کنیم چو مستان دران هوی و هایی کنیم
(پ۱۵۴)

ضمیر: مرا در شک افکند آن حال او دویدم چو او سر بدنبال او
(۲۷۳ر)

اسم: بپستی ایشان شده سخت روی سیه کردشان جهل چون بخت روی
(۱۶۳ر)

این منظومه در قالب مثنوی است و هر بیت در آن قافیه دارد و فعل و اسم به ترتیب بیشترین نوع کلمه در قوافی این اثر هستند. گاه نیز در تنگنای قافیه از کلمات عربی نامأنوس و غیر رایج در زبان فارسی استفاده کرده:

بگفتند باز این عجبت که ما درین یافته انتشا و انتما
(۲۶۶پ)

میان دو صف چون فتادش عبور کشیدند عوعو کلاب عقور
(پ۸۱)

در برخی موارد نیز عیوب قافیه مشهود است؛ از جمله در بیت زیر که «یقین» با «فرو» همقافیه شده است:
چو گفتار ایشان یقین داشتی بتصدیق آن سر فرو داشتی (۴ر)

موسیقی درونی: موسیقی درونی حاصل هماهنگی و نسبت ترکیب کلمات و آهنگ خاص هر حرفی در همنشینی با حروف دیگر است. این موسیقی در آرایه‌هایی چون انواع جناس، تصدیر، تکرار، واج‌آرایی، ترصیع، موازنه و غیره متجلی میشود. در این منظومه از تمام عوامل اثرگذار در ایجاد موسیقی درونی به‌ویژه انواع جناس استفاده شده است، به‌طوری‌که تقریباً بیشتر ابیات جناس دارد:

تام: رسولی فرستاد نزد رسول (نسخه بحرالدین: ۲۶پ)
محرف: ز عبرت شود معتبر معتبر (۴ر)

لفظ: چو اخلاص زید از سر صدق خاست برو رحمت از حق نبی کرد خواست
(۴ر)

خط: ز تیزی بره نیز دیری نبود (۳۲ر)

زاید: بقامت بگیتی قیامت فکند (۱۱پ)

مطرف: دران خستگی سیزده روز بود چو بگذشت آن رستگی رو نمود
(۳۰۴پ)

اشتقاق: مقام محبت بتو گشت خاص بتخصیص مایی اخص خواص (۷۴پ)

شبه اشتقاق: که انداختند آنچه اندوختند (۶پ)

لاحق: که من با پیمبر شناعت کنم شما را بر او شفاعت کنم (۲۱۱پ)

مزید: وجود جهان آمد از جود او (۱ر)

مذیل: بگیرند تخت ملوک عجم بران تخته زیشان نماند رقم (۷ر)

تکرار در سطح واج، هجا، کلمه و کلام صورت میگیرد و در زیبایی‌شناسی از مسائل اساسی است (شمیسا، ۱۳۹۹: ۸۹). در این اثر تکرار از نوع کلمه و واج دیده میشود. گاه تکرار کلمه بیانگر ضعف شاعر در تکمیل کلام و گاه بیانگر اهمیت وی بر کلمه‌ای خاص است؛ از جمله:

عجب ناید این سحر نزد عرب عجبتر ازین نبود از وی عجب (نسخه بحرالدین: ۶۴پ)

چو شد نفی از اهل یثرب مقام بود بی مقامی مقام تمام (۱پ)

تکرار واج در قالب واج‌آرایی نیز در تکمیل موسیقی درونی این منظومه اثرگذار است:

چو شد وقت کان صفدر صفشکاف ز قلب اندر آید بصف مصاف (نسخه بحرالدین: ۳ر)

کند هرکس از تو دوایی هوس من خسته را از تو درد تو بس (۱پ)

ترصیع:

مبانش داده بدلها فریب معانیش برده ز جانها شکیب (۶۶پ)

بکوی فنا ره‌نماینده اوست بروی بقا درگشاینده اوست (۱پ)

موازنه

بر اولاد او گشت کار جهان بر اقطاب او شد مدار جهان (۲۶پ)

رود رگ‌رگ این آب شیرین و شور بود با هم این چشم بینا و کور (۲۳۷ر)

تصدیر

سواری ببینید و مردی و کار که کس را نخوانید زین پس سوار (۱۷۲ر)

ویژگیهای آوایی: تخفیف مصوتها به‌عنوان یکی از ویژگیهای لایه آوایی این اثر قابل ذکر است، مانند ره، پیمبر، دگر، انده، بُد (۳۸ر)، سپه، آبگه (۱۱۴پ)، گاه همزه متحرک آغاز کلمه حذف و حرکت آن به صامت بعدی داده

شده است مانند: سماعیل (۱۱پ)؛ براهیم (۳۸ر)؛ سرافیل (۷۵پ)، در بیشتر موارد نیز همزهٔ مفتوح از ابتدای کنیه‌های عربی رجال حذف شده، مانند: بوطالب، بولهب، بوجهل. همچنین در دیگر کلمات نیز که با همزهٔ مفتوح آغاز میشود این همزه به ضرورت شعری حذف گردیده، مانند: ار، زیشان، میر، زان و ... یا هجای «و» مفتوح یا صامت «ه» از میان کلمه افتاده مانند: آرد، چار. گاهی مصوت ابتدای کلمه به مصوتی دیگر بدل شده که به آن ابدال گفته میشود، مانند: کنون، فسوس، فکند.

مشدد کردن کلمات بدون تشدید از دیگر ویژگیهای آوایی این اثر است که به ضرورت وزن انجام شده، مانند:

کند ذبح و برد ز پیوند خویش (۱۱پ) / چو صرصر که بر پشه آرد گذار (۱۴۵ر)

سطح واژگانی: در لایهٔ واژگانی به بررسی مؤلفه‌های ذیل پرداخته میشود: بسامد واژگان و اصطلاحات عرفانی، واژه‌های عربی، لغات فارسی کهن، ترکیبات خاص، مترادفات، انواع جمع و غیره.

نوع واژه‌ها: این منظومه شرح زندگی پیامبر اسلام (ص) در قالبی حماسی است اما بسامد بالایی از واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی در آن دیده میشود که جزو واژه‌های انتزاعی هستند، از جمله: شهود، فنا، طلب، توحید، ذات، صفات، افعال، کثرت، وحدت (۲۵۷ر)، رجا، مقام (۵پ)، سکر، صحو، حق‌الیقین (۳۰۲پ).

دگر	زآنکه	بعد	از	فنا ی</td <td>صفات</td> <td>طلب</td> <td>آردش</td> <td>سوی</td> <td>توحید</td> <td>ذات</td>	صفات	طلب	آردش	سوی	توحید	ذات
بوحدت	چو	کثرت	برآمیختست	ازان	کثرتی	وهم	انگیختست			

(۲۵۷ر)

این منظومه مملو از لغات ساده و دشوار عربی است که گاه درک مفهوم را مشکل میسازد تا جایی که گاه بجز حروف ربط و اضافه یا افعال اسنادی و ضمایر، مابقی کلمات یک بیت، عربی است، مانند:

عرب چون بدیدند آن نصر و عون ز جند الهی و آن حفظ و صون
(۶ر)

حتی شاعر از این هم فراتر رفته و به ساخت ابیات ملمع دست زده که گاه هر دو مصراع آن عربی و گاه یک مصراع آن به عربی و دیگری به فارسی است:

لقد عاد من راح للارتماح بوجه له غیر وجه المراح
(۸۵پ)

بخود زو شنیدیم سب هبل فهل مثل هذا البلا یحتمل
(۴۱پ)

برخی از کلمات سادهٔ عربی این منظومه عبارتند از: حمد، عدم، کن، معلق، علیم، خبیر، جود، ذات، عقل (۱ر)، نار (۴پ)، کفر (۶پ)، سما (۳۰۴پ)، تحذیر (۴۴پ). کلمات ذیل نیز نمونه‌هایی از لغات عربی دشوار در این منظومه هستند: اخطب، اعذب (۲۵۷پ)، تعریض، تسفیه (۲۶۰پ)، سب (۴۱پ)، احتوا (۱۴۳ر)، منحر (۱۱پ)، مستظل (۲۳پ)، مقتحم (۵۳پ)، ایقاد (۶پ)، منطوق (۳۱پ)، انتشا (۲۶۶پ)، تمریض (۲۹۷ر)، کلاب عقور (۸۱پ)، تجانی، تخویف، تنفیر (۴۴پ).

تعداد لغات فارسی به‌ویژه فارسی کهن در این منظومه تحت تأثیر بسامد بالای لغات عربی و عرفانی، قابل توجه نیست. کلماتی چون اندر (۲۴۴ر)، جوق (۵ر)، مردریگ (۲۱۷پ)، آژنگ (۱۴۲ر)، پالهنگ (۱۳۱پ)، افگار (۱۵۱ر)، بخاید، بسیج (۴۴ر)، از این دسته‌اند.

نمونه‌هایی از اصطلاحات فلسفی نیز در این اثر دیده میشود چون: ممکن، واجب، عدم، وجود (۱ر)

جهان شد ز هستیش هستی‌پذیر که ممکن ز واجب ندارد گزیر
(۱)

شاعر به تناسب تقلید از مثنوی اسکندرنامه نظامی و همچنین موضوع اثرش که شرح زندگی پیامبر(ص) است، در بخش توصیف جنگها و غزوات از لغات حماسی متناسب با جنگ استفاده کرده؛ از جمله: برگستوان، خود، زره، اسب تازی، تنگ، سپر، تیغ (۱۷۲ر)؛ کوس (۵۷ر)

گاه به منظور تکمیل بیت و رعایت وزن از لغات مترادف استفاده کرده: بسور و نشاط و طرب بازگشت (۱۱۴پ) با توجه به موضوع مثنوی بحرالدین، تعداد اسامی خاص اعم از اسم افراد و مکانها و جنگها در این اثر بسیار زیاد است و در این مجال ذکر همه آنها ممکن نیست. برخی از این اسامی عبارتند از: شام، مکه، عامر بن سعد، زید بن عمرو (۳پ)، کسری، عبدالمطلب، احمد، محمد (۴ر)، آدم، اسماعیل، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف کلاب بن غره بن کعب بن لوی بن غالب بن زفر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن نضر بن نزار بن معد بن عدنان (۷پ)، ابوطالب، بصره، خدیجه، خویله، قریش (۲۴پ)، کنانه، زید، زینب، ابوالعاص، مکه، شام، حجاز، یثرب (۱۲۹ر) و ...

انواع جمعها؛ کلمات جمع اعم از جمع با «ها»، «ان»، «ات» و به‌ویژه جمع مکسر در این اثر فراوان است. در کلمات منتهی به «ه» این حرف در اتصال با علامت جمع «ها» حذف شده، مانند:

ز پستان او طفل اندیشهها کشد شیر در دانش و پیشهها (همانجا) (اندیشهها، پیشهها)

جمع با «ها»: عدمها (۱ر)، علفها، عدمها، دلها (۱۹۸پ)، تیغها (۲۰۸پ)، سالها، حالها (۲۷۶ر)، استخوانها (۳۰۵پ) جمع با «ان»: بندگان (۴ر)، بتان (۶ر)، جوانان، عالمان، جاهلان، فقیران، سفیهان (۲۲پ)، چشمان، دشمنان، کهان، مهان (۷۹ر)، مؤمنان (۱۶۸ر)، راستان (۲۸۸پ)، مردان (۲۹۵ر)

جمع با «ات»: صفات (۲۵۷ر)، معجزات (۳۹پ)، مقامات (۷۲ر)، انعطافات، انعکاسات (۱۰۷ر)

از اواخر قرن ۵ تا اواخر قرن ۶ هـ ق بسیاری از کلمات مأخوذ از عربی دیده میشود که بجای صیغه‌های جمع فارسی، به‌صورت جمع مکسر عربی بکار رفته (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۱۶۸) و در بحرالدین به دلیل بسامد بسیار بالای واژه‌های عربی، بیش از دیگر انواع جمع در این اثر مشاهده میشود، از جمله: اوهام، اوصاف، افعال (۱ر)، آفاق، انفس (۳ر)، ملوک (۷ر)، اخوان، قبایل (۱۱پ)، اساقف (۵۵پ)، مبانی، معانی (۶۶پ)، اصحاب، انواع (۱۳۱ر)، کفار (۱۵۵پ)، ارکان، نقود، لالی (۲۵۴ر)، اسرار، اعضا (۳۰۵پ).

ترکیبات: یکی از ویژگیهای سبکی نظامی ساخت ترکیبات بدیع است (دهمرد، ۱۳۹۲: ۸۱). کوکبی نیز گاه به خلق ترکیبات نو، زیبا و دلنشین دست زده است. خلق ترکیباتی با افزودن پسوند «انه» به کلمه اعم از فارسی و عربی، از ویژگیهای سبکی شاعر در این اثر است که با دلایل بلاغی صورت گرفته، از جمله در بیت زیر به جهت ایجاد جناس با لقب شخصیتی خاص یعنی ابوبکر، ترکیب «صدیقانه» را ساخته است:

ابوبکر صدیق آن یار غار صدیقانه آمد برون پیش کار
(۱۱۳ر)

و در این مصراع: نهنگانه کشتی تن پاره کن (۲۹۵ر) ترکیب «نهنگانه» به جهت خلق تشبیه به کار برده شده است. و در نمونه زیر، از ترکیب «شیخانه» به جهت ایجاد تضاد با «صبی» بهره برده است:

سخنهای شیخانه بس ای صبی (۲۵۶پ)

بزرگانه (۵۷پ)؛ نورناک (۲۶پ) از دیگر ترکیبات این اثر هستند.

لحن حماسی اثر: لحن حماسی در توصیف میدانهای جنگ و غزوات و سپاه اسلام نمودار است. از جمله با لحن حماسی به توصیف محاصره حصن وطیح و کشته شدن مرحب و برادرش پرداخته و این لحن در دیگر توصیفات او به‌ویژه در تصویر غزوات و جنگها نمودار است:

بمیدان رجزخوانی آغاز کرد	ز سوز برادر رهی ساز کرد
کدامست گفتا ز مردان مرد	حریفی که با من شود هم‌نبرد
حریفی که با هم ببازیم گوی	بتیغ از سر هم بسازیم کوی
ز سر اندر آمد به پیشش دلیر	درو جست زانسان که در صید شیر

(۲۰۲پ)

سطح نحوی

در لایه نحوی اموری چون کاربرد انواع فعل کهن، انواع ی متصل به فعل، انواع را، قید سخت، حروف اضافه مورد و اکاوی قرار میگیرد.

کاربرد افعال کهن فارسی: در این اثر چندان از کلمات کهن فارسی استفاده نشده است. تعدادی از این کلمات، افعالی هستند که در فارسی معیار امروز به‌کار نمی‌رود و جای اغلب آنها را فعلهای مرکب گرفته، مانند: ماندن (گذاشتن) (۶۲ر)؛ گرفتن (آغاز کردن) (۳ر)؛ درشدن (بیرون رفتن) (۴پ)؛ بشدن (رفتن) (۲۰۸ر)؛ آختن (بیرون کشیدن) (۲۰۸پ)؛ آگندن (پر کردن) (۶۶پ)؛ یارستن (توانستن) (۱۱پ)؛ خاییدن (جویدن) (۴۴ر).

کاربرد افعال نیشابوری؛ یکی از صورتهای صرفی ماضی نقلی در دوره نخستین زبان فارسی دری، کاربرد آن با «است» میباشد که در همه صیغه‌ها صرف میشود. گفته شده که مردم نیشابور سینی به بعضی صیغه‌های فعل می‌افزودند و بهار اینگونه فعلها را «فعل نیشابوری» نامیده است (بهار، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۸). در بحرالدین نیز اینگونه صیغه از فعل وجود دارد: شرف یافتستی بتکریم من (۷۴پ) / خبر یافتستیم ز امری نهان (۱۷۴پ) / چو کردستم این کار بسیار من (۲۲۸ر)

کاربرد صیغه کهن ماضی استمراری؛ ماضی استمراری علاوه بر شکل امروزی، در قدیم به صورتهای دیگری نیز به‌کار میرفته، از جمله کاربرد «ی» در آخر فعل بجای «می» در ابتدای فعل که در این منظومه نیز به‌صورت وزن، کاربرد بسیاری دارد: که هرگز ندانستمی پیش ازین (۹۲پ) / در اول نبی خفیه کردی نماز (۳۸ر) / که بگذارندی نشسته نماز (۱۰۴پ)

کاربرد انواع ی متصل به فعل؛ در این منظومه «وجوه فعل از جمله وجه شرطی، تمنایی و خیال مانند نقل خواب به شیوه دوره رشد و تکوین با «ی» همراه است» (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۱۳). شناسه «ی» در جملات شرطی همراه با فعل شرط و جزای شرط به‌کار رفته:

مرا گر نه این ضعف و پیری بدی	وگر بودی این بی‌ضریری بدی
شما را نبودى بکس احتیاج	بدیتان ز کار و ز کسبم رواج

(۹۸پ)

شناسه فعل تمنایی در فارسی دری «ی» همراه با فعل است که در این اثر نیز کاربرد دارد: ترا کار دیگر بدی نیز کاش (۳۲ر) همچنین، شناسه «ی» برای بیان امری که در خواب گذشته در این منظومه دیده میشود:

بپرسید پیغمبر آنرا سبب شیخی گفت خوابی بدیدم عجب
چنانم نمودند یک شب سحر که اند کنارم فتادی قمر
(۲۰۰ر)

افعال دعایی: وجوه و صیغه‌های صرف فعل در دوره دری رو به سادگی رفته و برخی وجوه فعل مانند دعایی متروک شده (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۱۹)؛ اما کوکبی از این صیغه در منظومه خود به عمد برای پیروی از شیوه کهن به‌ویژه سبک نظامی استفاده کرده، از جمله: مبیناد نقصی ز عین‌الکمال (۳۰۷پ) / جزا خیر از من دهادت خدا (۳۰۵پ) انواع «را»: در فارسی دری «را» بجای برخی حروف اضافه، به‌عنوان نشانه مفعول، جانشین کسره اضافه، با فعل «است» و «بود» به معنی «دارد» و «داشت» به کار میرفته است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۵: ۲۷۶). در منظومه بحرالدین نیز «را» علاوه بر اینکه نشانه مفعول است در معنای حرف اضافه، برای تبدیل فعل، به‌عنوان فک اضافه و همراه با نهاد فعل ناگذر هم کاربرد دارد. گاهی «را» بعد از نهاد جمله می‌آید و فعل جمله اسنادی یا ناگذر است. فعل «بودن» و «است» با «را» معادل فعل «داشتن» است و در متون دوره تکوین عام است (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۲۴۹) که میتوان آن را رای تبدیل فعل نامید و در این اثر نیز کاربرد فراوانی دارد، از جمله: مرا نیست ظن بلکه جزمم برین (۲۵ر) / بامثال این نیست ما را نیاز (۳۰۳ر)

در جمله‌هایی که فعل ناگذر دارد یعنی اثر فعل به نهاد جمله برمیگردد که به‌صورت مفعول ادا می‌شود، نهاد با حرف «را» همراه است (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۲۴۹)؛ مانند: پسند آمد اصحاب را رای او (۱۶۸ر) / نی را نیامد از ایشان پسند (۲۵۷ر)

در برخی موارد جای مضاف و مضاف‌الیه تغییر یافته و به‌جای کسره اضافه از «را» بین این دو استفاده شده که در حکم کسره اضافه است و به آن «را»ی فک اضافه گفته میشود؛ مانند:

رسل را قد از بار غم شد دوتو (۵۵پ) / گرفته بکف اشتری را مهار (۱۵۵ر)

گاهی کلمه «را» نشانه متمم فعل است در استعمال با بعضی از افعال که امروزه متروک شده و بجای آن از حرف اضافه استفاده میشود. پس برخی از فعلها در دوره نخستین فارسی دری مفعول صریح می‌گرفته‌اند و امروزه با مفعول بواسطه استعمال میشوند، مانند را به معنی به، از، برای، با و ... (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۲۴۹). در بحرالدین نیز اینگونه استعمال نمود فراوانی دارد؛ از جمله «را» حرف اضافه است به معنی برای، به، بر:

برای: نماند مرا قدر نزد سپاه (۵ر)

به: علی را بفرمود (۲۹۲پ) / مرا اذن دادند و رفتم برش (۲۸۷پ)

بر: همه سروران جهانرا سرم (۲۶۰پ) / رسول خدا را بسر ریخت خاک (۶۹ر)

فعل با پیشوند «ب» و «همی»: گاه برای بیان مفهوم استمرار بجای می به ضرورت وزن شعر از همی استفاده شده و گاه بجای «می»، «ی» به پایان فعل افزوده شده، مانند: همی‌راند آن فیل جنگی به پیش (۵پ) / همی‌گفت عباس رو در سما (۳۰۴پ)

چو شمع از دل آتش برافروختی شدی گرم و در گریه می‌سوختی

جزء صرفی «ب» علاوه بر اینکه همراه با فعل امر بکار رفته با افعال ماضی نیز همراه شده: ببردش بنزد نبی بی‌درنگ (۱۳۱پ) / بشد مرکب از دست و زادی نماند (۱۷۴پ)

«در» و «اندر»: «اندر» از حروف اضافه در ایران باستان است که به فارسی دری رسیده و به صورت «در» رایج‌تر است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۵: ۲۶۵). در این اثر از دو صورت این حرف استفاده شده ولی غلبه با حرف «در» است: ببحر اندر افتادنت چاره کن (۲۹۵ر) / در آفاق و انفس نمایش گرفت (۳ر)
شاعر برای بیان نکره بودن اسم، از دو علامت «ی» در پایان اسم و «یکی» پیش از اسم بهره برده، مانند:
یکی روز بالای نخلی بکار بدم چون مؤذن فراز منار
(۳۲ر)

عدد و معدود: در این اثر، گاه عدد به صورتی خاص آمده مثلاً بجای دوازده، ده و دو آورده شده: خدا داده او را ده و دو پسر (۵۷پ) / سپه برد با خود ده و دو هزار (۲۲۵پ). یا عدد سه هزار به صورت زیر در مصراع دوم گنجانده شده:

عدد مؤمنانرا دران روزگار سه بار آمد اندر شماره هزار
(۱۶۸ر)

معدود نیز بیشتر موارد به صورت امروزی یعنی پس از عدد و گاهی به روش قدیمی یعنی پیش از عدد آورده شده است، مانند: چو روزی دو با من اقامت نمود (۲۶۸پ) / غلامی دو دیدند ز اهل شباب (۱۱۴پ)
دو حرف اضافه برای یک متمم: در فارسی دری یک اسم ممکن است دو حرف اضافه داشته باشد که یکی پیش از آن و یکی پس از آن آورده میشود (ابوالقاسمی، ۱۳۹۵: ۲۷۲). این نوع کاربرد که در اصل برای تأکید بوده توسط شاعران به‌ویژه مثنوی‌سرایان جهت رعایت وزن شعر استفاده شده (همان: ۲۷۳) و در مثنوی بحرالدین نیز این کاربرد دیده میشود:

کشان و بگردن درش پالهنگ (۱۳۱پ) / مر او را ببايست معذور داشت (۲۲ر)

قید نفی: نی و نه قید نفی هستند و در این اثر کاربرد هر دو صورت مشاهده میشود، مانند:

سرافشان خبر نی ز پا نی ز دست (۱۴۵ر) / نه نفعی رساند بکس نی ضرر (۲۶۶پ)

مفعول مطلق: «ی» به همراه مصدر معادل مفعول مطلق بیانی در زبان عربی است و آن را «ی» نکره میدانند که تحت تأثیر زبان عربی وارد فارسی شده (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۵۷). این نوع کاربرد در مثنوی بحرالدین نمود دارد: کشیمش کنون کشتنی بس درشت (۲۰۵ر)

پرش ضمیر: پرش یا رقص ضمیر در این اثر با بسامد بسیار بالا برجستگی خاصی دارد که به ضرورت وزن شعر، ضمیر در جای خود به کار نرفته و به کلمه قبل یا بعد اضافه شده، مانند: غمت در جگر آتش افروختمان (۱۵۷ر) / بتیغش سر از تن بینداختند (۲۴۵پ) / چو بشنیدش آواز گفتا نعم (۲۲۹پ) / درین کارتان رای و تدبیر چیست (۱۶۸ر).

سطح ادبی

به دلیل کثرت و تنوع صنایع ادبی به‌کاررفته، ارائه کامل آن در گنجایش این مقاله نیست؛ لذا برجسته‌ترین و پربسامدترین شگردهای بلاغی با استناد به نمونه‌های شاخص شعری معرفی میشوند. در ادامه، این ویژگیها در دو قالب جدول (نمایش کیفی) و نمودار میله‌ای (نمایش کمی و بسامد نسبی) ارائه میگردد. چنان که گفته شد، شاعر در این منظومه از طیف گسترده‌ای از آرایه‌های ادبی بهره برده است که در این میان، تشبیه، استعاره، کنایه، ایهام، استخدام، تضاد، تناسب و تلمیح به‌عنوان مهمترین و مؤثرترین ابزارهای مجازی زبانی و زیباسازی کلام در بحرالدین قابل توجه و تحلیل هستند.

تشبیه: از بین این شگردهای بلاغی، انواع تشبیه و اضافات تشبیهی البته از نوع تکراری و کلیشه، بیش از دیگر موارد نمود دارد؛ از جمله:

مفصل: چو صرصر بهر حمله تند و سخت ز هم ریختیشان چو برگ از درخت
(۱۴۳ر)

چو چوگان شوم خدمتش را دوتو (۳پ)

مجمل: بگاه سخن بحر گوهرنثار (۹۸ر)

تن هریکی همچو فیلی دمان بزور و بسرپنجه شیری ژبان
(۱۱پ)

بلیغ: تویی چشمه زندگی خاک‌پوش (۲۹۴پ)

مرکب: چو صرصر که بر پشه آرد گذار ز هرسو فکندندشان در فرار
(۱۴۵ر)

بر اسب تکاور سوار دلیر بود نره‌شیری نهنگیش زیر
(۱۷۲ر)

بگرد نبی خیمه خرگه زده چو هاله که خرگاه بر مه زده
(۲۰۰ر)

تلمیحی: چو یوسف بخوبی ز اخوان فزود احب همه بر پدر نیز بود
شده مکه مصری ز سیمای او زنان قبایل زلیخای او
(۱۱پ)

تفضیل: ز آب خضر خطبه‌اش اذبست (۲۵۷پ)

استخدام: که چون سایه افتادمت زیر پای (۱۳پ)

چو چوگان همه پشت خدمت دوتو بیای تو سر باختندی چو گو
(۱۱۶پ)

اضافه تشبیهی: در حمد، گرد اوهام (۱ر)؛ نار حمیت (۴پ)، آتش کفر (۶پ)؛ غبار ستم، بخار غضب، چاه جهل و عما (۵۳ر)؛ گل فتح، باغ دین (۱۲۹ر)؛ رطبه‌های امید (۳۲ر)؛ جیب حیا، پای جفا (۷۹ر)؛ راه فهم (۱۱۳پ)؛ بحر وجود، موجهای نمود (۱۳۷پ)؛ شهد شهادت (۱۳۹پ)؛ شمع هدایت، منزل نور (۱۷۱پ)؛ تاج ایمان (۲۱۷ر)؛ نهال و ثوق (۲۸۱پ)؛ کشتی تن (۲۹۵ر)؛ تیغ خصومت (۴۲ر)؛ منجنیق قضا، مرمای تقدیر (۵پ)

استعاره: انواع استعاره پس از تشبیه بیشترین بسامد را میان شگردهای بیانی در این اثر دارد و کاربرد استعاره مصرحه بیش از دیگر انواع آن و معمولاً کلیشه و تکراری است.

استعاره تبعیه: بصد جان خریدار ایمان شدند (۸۶پ) / بشو دست خود زان بهفتاد آب (۲۳۸ر)

استعاره مصرحه: اساس افکن سقف نه بارگاه (۱ر)

پیمبر شنید و تبسم نمود تبسم‌کنان در مه انجم نمود
(۲۶۵پ)

که مه استعاره از صورت و انجم استعاره از دندانهاست که در اثر تبسم نمایان شده

ز عدنان بعدالله آن در صاف صدف بیست منزل بدش بی‌غلاف (۷پ)

در صاف استعاره از پیامبر (ص) و بیست صدف استعاره از آباء و اجداد آن حضرت است که از عدنان تا عبدالله بیست نفر بودند.

جبینش ببوسید و بگریست زار بسی کرد بر مه ستاره نثار
(۳۰۵پ)

مه استعاره از رسول اکرم و ستاره استعاره از اشک است

ز یک مهر و یک ماه در چندگاه جهانرا سه مهر آمد و چار ماه
(۲۶پ)

منظور از یک مهر، یک ماه، سه مهر و سه ماه به ترتیب حضرت محمد(ص)، حضرت خدیجه(س)، پسران و دختران ایشان است.

استعاره مکنیه: قضا مژده از کام جانیش داد بران جان خود مژدگانیش داد
(۲۰۷ر)

کنایه: انواع کنایه شامل صفت و اسم و فعل از نوع ایما در این اثر کاربرد خاصی دارد. به کاربردن خیرالبشر، سلطان دین (۲۷۲پ)، سر راستان، نبی الانام (۲۸۸پ) برای پیامبر (ص) از نوع کنایه اسم در این اثر است. همچنین کنایه از فعل در بحرالدردین بامد بالایی دارد، مانند:

پیمبر چو بشنید گفتا بیاد رود ملک او و پذیرد فساد
(همانجا)

وزو خرمن دشمنان سوخته (۲۵ر)

کسی کز سر حکم او سرکشد بسر حکم شرعش خط اندرکشد
(۳پ)

چو او هرکه را زان نمد هم کلاه بدی در ره ترک جان بهر شاه
(۱۳۹پ)

بسر دویدن (۲۸۸پ)؛ حلقه در گوش کردن (۱ر)؛ خاک شدن (۲۸۱ر)

تلمیح: اشاره به آیات، احادیث، داستانهای قرآنی و غیر قرآنی در این اثر یکی از پرکاربردترین شگردهای بیانی است که شاعر متناسب با موضوع آن از این شگرد در راستای زیباسازی کلام و رعایت ایجاز بهره برده است؛ از جمله:

کند قوم ما را هلاک و بباد دهدمان بیکبار چون قوم عاد
(۲۰پ)

بجز راه او نیست راه نجات خضر خورد از حوضش آب حیات
(۳پ)

تأثیر قرآن و حدیث به شیوه‌های تضمین، حل و ترجمه در این اثر در قالب تلمیح بسیار پرکاربرد است؛ از جمله:

تضمین: مگو روز دورست و حالا شبست کلمح البصر بل هو اقریست
(۷پ)

چو حق امر شاورهمش کرده بود در مشورتشان برخ برگشود
(۱۱۳ر)

که چون ارجعی آید از تو خطاب (۳۱۰ر)/ وجود آفرین از عدمها بکن (۱ر)

ترجمه: ز آبییم ما اصل ما هست آب که آبست هر زنده‌ای را مآب
(پ۱۱۴)

نماند جز اطلاق آن وجه پاک دگر هرچه بینی پذیرد هلاک
کنون نیز اشیا همه هالکند چو در قبضه قدرت مالکند
(پ۱۹۶)

ضریرست و از حد ضعیفست و پیر چه عذری قویتر ز عذر ضریر
(۲۲۱ر)

حل: حقش غایت خلق افلاک گفت خبر زان بما قول لو لاک گفت
(پ۷)

با توجه به موضوع اثر که به تفصیل غزوات پیامبر (ص) را به نظم آورده است، لحن حماسی دران نمودار است و به تبع، تلمیح به شخصیت‌های شاهنامه نیز در آن دیده میشود، از جمله در توصیف فوارس قریش چنین سروده:
چو شیری بسرینجه هریک دلیر بدل رستم و رخس تندیش زیر
(۱۷۲ر)

تضاد: انواع تضاد از جمله مقابله و مطابقه با بسامد بالا در این منظومه نمودار است، از جمله:

مقابله: ز لطف آب جانبخش و دلپروورست ز قهر آتش انبار خاکسترت
(پ۴۱)

مطابقه: زن و مرد ایشان کبیر و صغیر (پ۸۶)/ غمش شادی و ماتمش سور گشت (پ۷)/ نه آزاد نی بنده نی شیخ
و شاب (پ۲۳)/ سوادى بیاضش دثار و شعار (پ۲۲۵)

سیاهی و ظلمت سفیدی و نور برابر نمودی ز نزدیک و دور
(۲۳۷ر)

ایهام: ساخت ایهامات زیبا با استفاده از ابزارآلات جنگی، مقامات موسیقی، شطرنج، صور فلکی و ... از ویژگیهای بلاغی این اثر است؛ از جمله:

قریبیم و قربان کیش توایم (پ۲۶۵)

مقام حجازش چنان کرد شاد که عشاق یثرب نیورد یاد
(پ۲۳۵)

چو خورشید مشهور وز اهل بدر (۲۴۹ر)/ ز حیرت شده مات در کار فیل (پ۵)

تناسب: ایجاد تناسب در میان کلمات مانند شخصیتها، اعداد، زمانها، مکانها، اصطلاحات بازیها، صور فلکی، موسیقی و ... از شگردهای زیبایی آفرین در این منظومه است، از جمله:

ز یک چار مغز اندرین هفت پوست سه روغن کشیدن یکی کار اوست
(۱ر)

نه فردا بد امروز دی در نظر (۷پ)

پیاده روان گام در ره نهاد دران عرصه رخ جانب شه نهاد
(۲۳پ)

ملمع: آوردن یک بیت عربی در میان ابیات فارسی و به‌ویژه سرودن یک مصراع به فارسی و دیگری به عربی در این اثر بسامد بالایی دارد، از جمله نمونه‌های زیر:

لقد عاد من راح لارتماح بوجه له غیر وجه المراح
(۸۵پ)

تویی سید اولین و آخرین فخذ نعمتی کن من الشاکرین
(۷۵ر)

اغراق: با توجه به موضوع بحرالدین و لحن حماسی آن در بازگویی شرح غزوات پیامبر(ص)، اغراق نیز در ذیل شگردهای بیانی این اثر با بسامد بالا قابل ذکر است، مانند:

خطیبان ما راست صوتی بلند که غلغل ازان در سپهر افکنند
دهند از بلندی و آواز صاف بیک نغمه فهت آسمانرا شکاف
(۲۵۷پ)

تجاهل‌العارف: نبی گفت ام‌سلیمست این و یا ماده‌شیرست بس خشمگین
(۲۲۹پ)

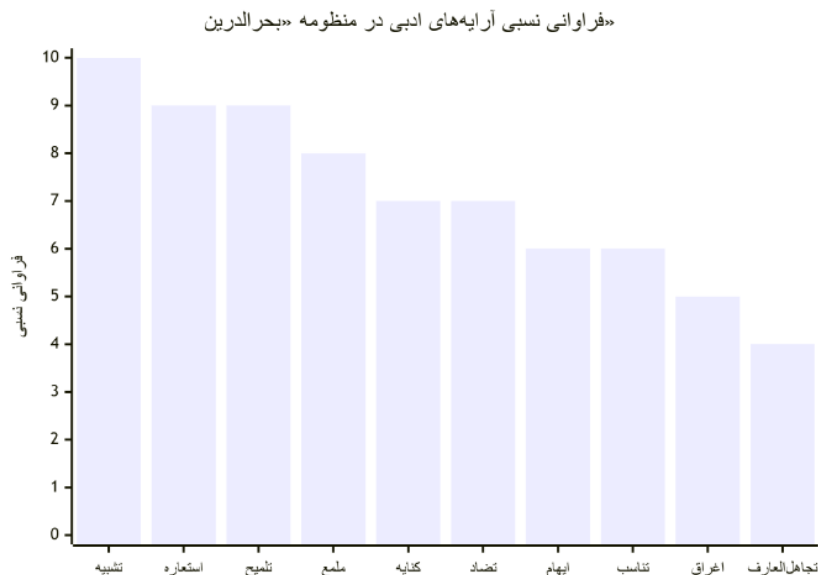
تضمین:

چه خوش گفت فردوسی نامدار که فردوس باداش دارالقرار
پسر کو ندارد نشان پدر تو بیگانه خوانش مخوانش پسر
(۱۱پ)

جدول و نمودار صنایع ادبی به دست آمده که در ادامه خواهد آمد، بر وضوح کاربرد این آرایه‌ها می‌افزاید:

جدول فراوانی آرایه‌های ادبی

ردیف	صنعت ادبی	توضیح	فراوانی نسبی از ۱۰
۱	تشبیه	شامل انواع تشبیه (مفصل، مجمل، بلیغ، مرکب، تلمیحی، تفضیلی، استخدای) و اضافات تشبیهی	۱۰
۲	استعاره	شامل استعاره مصرحه، مکنیه و تبعیه	۹
۳	تلمیح	شامل تضمین، ترجمه، حل و اشاره به داستان‌های قرآنی و غیرقرآنی	۹
۴	ملمع	آوردن بیت یا مصراع عربی در میان ابیات فارسی	۸
۵	کنایه	شامل کنایه از اسم، صفت و فعل	۷
۶	تضاد	شامل مقابله و مطابقه	۷
۷	ایهام	ایهام با استفاده از ابزار جنگی، موسیقی، شطرنج و...	۶
۸	تناسب	تناسب در شخصیتها، اعداد، زمانها، مکانها و...	۶
۹	اغراق	متناسب با لحن حماسی اثر	۵



سطح فکری (تحلیل محتوا و درونمایه‌ها)

دسته‌بندی محتوا در بحرالدین، بر مبنای دیرش متن (طولانی بودن متن اختصاص یافته به درونمایه‌ها)، پرسامد بودن درونمایه‌ها و برجستگی محتوایی خاص به شرح ذیل انجام شد:

تحمیدیه: این مثنوی، همانند بسیاری از آثار کلاسیک منظوم فارسی، با تحمیدیه آغاز می‌شود و شاعر برای این شروع استدلال میکند که: «جهت استخراج در توحید که طلب کلید باب فتح هر امر ذی بال و سبب مزید هر نعمت و نوال است» (۱). این تحمیدیه که در ۲۶ بیت سروده شده، بیت آغازین آن ستایشی چندوجهی است؛ ستایش خداوند، ستایش سخن و ستایش حمد و ثنای خداوند: خدا کز دهان در حمد آفرید/ زبان ساخت آن درج در را کلید (همانجا)

و بیت پایانی تحمیدیه: تمام اوست از هر چه گیرند نام/ تمامست اینجا سخن والسلام (همان، ۱پ)
بعد از حمد خداوند، مناجات و عرض نیاز به درگاه خداوند آغاز می‌شود: خدایا مرا نیست از تو گریز (همانجا)
و بعد از مناجات خداوند، نعت پیامبر(ص) آمده است:

ببخش آنچه کردم چو آیم برت/ بسرهنگ درگاه و پیغمبرت (همان، ۲)
در ادامه، «استرشاد از حضرت علیه الصلوات و السلام بر نظام خطاب و استمداد در اتمام کتاب» (همان ۲ - ۲پ) آمده است.

معجزات و کرامات: کوکبی به ذکر معجزات و کرامات حضرت محمد(ص) پیش از ولادت ایشان، می‌پردازد؛ «ذکر تباشیر صبح ظهور نور آن آفتاب» (همان، ۳) که شامل ۱۵ بیت است و با این بیت شروع می‌شود:

هلال ظهورش فزایش گرفت/ در آفاق و انفس نمایش گرفت (همانجا)

و به بیان نشانه‌های ظهور پیامبر می‌پردازد:

علامات بعثت در آن روز کار/ بسی گشت بر کاهنان آشکار (همانجا)

برخی از این نشانه‌های ظهور عبارتند از: حکایت راهبی که در ناحیه شام از قافله‌ای که از مکه بدان نواحی سفر کرده بودند نسب ایشان پرسید و به ظهور آنحضرت در آن قوم ایشان را بشارت داد (همان، ۳)، حکایت روایتی که عامر بن ربیع از زید بن عمرو در زمان جاهلیت در شأن بعثت آنحضرت کرده (همان، ۳پ)، حکایت کسری ... (همان، ۴)، حکایت ابرهه و اصحاب فیل و ولادت آنحضرت که بنا بر مشهور در آن سال بود (همان، ۴پ)، حکایت جماعتی از قریش که در شبی معین از سال نزد بتان اجتماع نمودندی و آن شب موافق شب ولادت آنحضرت افتاد و شنیدن صدایی از غیب در آن جمع ... (همان، ۶)، حکایت بعضی امور که در شب ولادت آنحضرت واقع شد (همان، ۶پ)، انکسار کسری جهت کسر ایوان ... (همانجا)، ذکر شق صدر آنحضرت (همان، ۱۷)، حکایت اسقف بخران که صدیق عبدالمطلب بود و اشارت به نبوت آنحضرت کرد (همان، ۲۰)، ذکر سفر ابوطالب و ملاقات او با بحیرا راهب و وصیت بحیرا او را به حراست آنحضرت از یهود (همان، ۲۳)

نخستین ایمان آوردندگان: ذکر ایمان سلمان فارسی (همان، ۲۸پ) و در ادامه، ذکر ایمان خدیجه رضی الله عنها (۳۶پ) و بیان آنکه بعد از پیغمبر اول کسی که نماز گزارد خدیجه بود (۳۷ ر) در این اثر آمده است.
درونمایه مدح و منقبت: ابیات ستایشی و تجلیل از شخصیت پیامبر (ص) و تبجیل آن حضرت، یکی از درونمایه‌های غالب این منظومه است که جهت رعایت اختصار فقط دو نمونه ذکر میشود:

ز حوض نبی آب در می‌کشید/ که آب حیات شهادت چشید (۱۹پ)

چو آن جنگ و آشوب شد برطرف/ قمر گشت راجع به بیت‌الشرف (۱۵۵پ)

درونمایه حماسی: برجسته‌ترین و پرتکرارترین درونمایه بحرالدرین درونمایه حماسی است، زیرا وی ابیات زیادی را به ذکر جنگ‌های پیامبر اختصاص داده است؛ از جمله: ذکر غزوه بدرالاولی (۱۰۷)، ذکر غزوه بدرالکبری و آنچه بدان متعلقست (۱۰۹)

خوشا روز فتحی که دست کرم/ کند کسر اعدا بدان فتح ضم

سراسیمه لرزان چو سیماب شد/ چو رشته بیچید و در تاب شد

چو آهو بتک تیز و مانند شیر / دلاور بهنگام کار و دلیر (همانجا)

ذکر غزوه بنی‌النضیر (۱۶۲)، در حدود ۱۶۰ بیت، ذکر غزوه ذات‌الرقاع (۱۶۴)، در حدود ۴۰ بیت آمده و در ادامه، ذکر قصه‌ای که جابر بن عبدالله در غزوه ذات‌الرقاع حکایت کند در حدود ۱۲۰ بیت نقل شده است:

ز جابر چنین اوفتاد استماع/ که می‌گفت در غزو ذات‌الرقاع (۱۶۴پ)

ذکر غزوه بدرالصغری (۱۶۶)، ذکر غزوه خندق که در عنوان، تاریخ رویداد آن نیز ذکر شده و توصیف این غزوه طولانی است، در حدود ۳۸۰ بیت، و به جزئیات عدد و عدت نیز پرداخته است:

ز اسبان تازیش سیصد کتل/ روان و سواران سوار جمل

شمار شتر چون بپرسی عدد/ بود یک‌هزار و دگر پنج صد (۱۶۸)

ذکر غزوه بنی‌قریظه (۱۷۶)، ذکر غزوه خیبر و قصصی که بدان متعلقست (۱۹۸پ / ۲۰۴)، ذکر فتح مکه زادالله شرفاً (۲۱۰-۲۱۷) که بسیار طولانی و در حدود ۵۷۰ بیت است:

خوشا آن که در هجرت از بهر دین/ دهد مژده بختش به فتح مبین

کند هجرت از خویش سوی وطن/ به غربت نماند ز خود ممتحن (۲۱۰)

درونمایه‌های عرفانی: در جای‌جای متن به فنا و گذشتن از خود تأکید شده است؛ به منظور مورد رحمت قرارگرفتن و دست یافتن به حقیقت، از جمله:

ادب هست در جستن این مقام نظر بستن از دید خود والسلام
چو خود را نبینی ترحم کنند بیک یافتن از خودت گم کنند
(۲۵۷پ)

کسی گنج تحقیق را یافتست که رو از خود و دید خود تافتست
(۲۳۸ر)

همچنین، بر ترک تن و مرگ پیش از مرگ به استناد «موتوا قبل ان تموتوا» توجه خاص شده است:

چو مرگ تن آمد ترا ناگزیر برو ترک تن گیر و هرگز ممیر
چو پیش از اجل ترک تن گفته‌ای ز جان با دلت این سخن گفته‌ای
(۲۹۵ر)

ترا رشته جانست در بند تن گسستت ز سرشته پیوند تن
به تن جان من ترک پیوند کن به سرشته جان دلت بند کن
تو جان جهانی و از خود نهان به تن ماندی ای جان جمله جهان
(۳۰۷پ)

کوکبی (به تاسی از مولانا: از جمادی مردم و نامی شدم ...) مرگ را نوعی تکامل دانسته و معتقد است با مرگ صعود به مرحله بالاتر روی میدهد:

نبینی چو مرد از جمادی جماد دری بر حیات نباتی گشاد
وگر از نباتی بمیرد نبات چو حیوان شود زنده ز آب حیات
چو حیوان ز حیوانی خویش مرد بانسان سفر کرد و ره پیش برد
گر انسان بمیرد ز انسانیش چو دانی مقامش ملک خوانیش
تو در حال مردن نظر کن کنون که کم شد ز مردن کسی یا فزون
(۲۹۵ر)

وی بر آگاهی تأکید دارد:

قدم در ره آور درین راه میر چو مردان ره زنده و آگاه میر
گر آگاه میری چو مردان کار بود مرگ رفتن ز داری بدار
(۲۹۵ر)

همچنین رعایت ادب را در هر کاری لازم و ضروری دانسته و در جای‌جای این اثر این مضمون دیده میشود:

برای مهذب ز روی ادب نهد پای همت براه طلب
بصدق و باخلاص پوید براه ادب دارد اندر منازل نگاه
(۲۶پ)

یا پس از آنکه صدا زدن رسول خدا با صوت بلند را نشانه بی‌ادبی دانسته، معتقد است ادب زیور عقل است که عاقل از آن نمیگذرد و رعایت ادب نشانه عقل است:

ادب حلیه عقل کامل بود ازو نگذرد هرکه عاقل بود
ادب ورز و هرجا ادب پیشه کن بعقل اندرین کار اندیشه کن

شاعر در پایان هر بخش، معنی را خطاب قرار داده که راهی ساز کند یا سرودی بگوید یا چنگ بزند، از جمله:
مغنی نوایی باهنگ حال بیاور ز راه مقام کمال
مقامی که عشاق را آن نوا کند قابل صحبت اولیا
(۲۷ر)

مغنی بزن بر رگ چنگ خویش که سر با هم آورد در سینه ریش
(۱۰۴ر)

ذکر رؤیا: رؤیاهای شگفت و تأویل آن در شمار درونمایه‌های تکرارشونده و قابل توجه است، از جمله؛ رؤیای جهیم بن ابی‌الصلت و اظهار آن بر قریش:

جهیم بن بی‌الصلت خوابی عجیب بدید و شدش اضطرابی عجیب
(۱۱۵ر)

رؤیای عاتکه بنت عبدالمطلب:

شبی عاتکه دید خوابی عجیب شدش دهشت و اضطرابی عجیب
(۱۱۰ر)

ذکر وفات یاران پیامبر: در این موارد کلام رنگ مرثیه‌گونه و غمباری دارد، از جمله ذکر وفات خدیجه و ابوطالب:

کهن باغبان را در این باغ نو/ بود رسم هر کشته‌ای را درو (۷۸پ)

درونمایه‌های قضا و قدری: این نوع درونمایه‌ها برای حفظ قدرت اسلام در جنگها، در مواردی که شهادت صحابه روی میداده، کارکرد دارد؛ از جمله بیان شهادت جمعی از صحابه:

به تیر قدر از کمان قضا شهید آمد اندر مقام رضا
(۱۱۹پ)

وقایع مهم تاریخ اسلام: اسلام آوردن بزرگان (عمر بن الخطاب (۵۹ر)، سعد بن معاذ (۸۵ر) و...)، ذکر جماعت مهاجران که از حبشه به مدینه آمدند (۲۰۶ر)، ذکر قدوم وفود بر آنحضرت (۲۵۶ر - ۲۷۶ر) که آمدن هر گروه را با جزئیات به نظم آورده است: بنی تمیم، بنی عامر و ...

رخدادهای دقیق و جزئی تاریخ اسلام: قسم یاد کردن اسودبن عبدالله (۱۱۸ر)، مرض بعضی اصحاب از هوای مدینه و دعاء آنحضرت (۱۰۴ر)، دادن آنحضرت تیر به سعدبن وقاص که بر کافران اندازد (۱۰۴ر):

به باغ تنش اندران داروگیر بسی گل برآمد ز باران تیر
چنین گفت سعد سعادت پناه که صدر رسالت سپهدار شاه
(همانجا)

ذکر مخاطبه آن حضرت با ام‌سلمه زن ابی طلحه:

نبی گفت ام‌سلمست این و یا ماده شیریست بس خشمگین
چو بشنید آواز او گفتا نعم منم ای خداوند فصل و نعم
(۲۹۹پ)

بیماری حضرت محمد (ص) و وفات ایشان: منظومه با ذکر ترمیض آن حضرت در بیت عایشه (۲۹۶پ) و امامت ابی بکر صدیق به امر آن حضرت (۲۹۸ر) به پایان خود نزدیک میشود:

روایت چنین آمده است از روایت که حضرت ابوبکر را در صلوات به جای خود و نایب خویش ساخت به محراب جا داده در پیش ساخت (۲۹۸)

و پس از شرح درگذشت پیامبر و ذکر غسل و تکفین و دفن آن حضرت:

به غسل نبی فایض آمد علی بلی درخور آید نبی را ولی (۳۰۴)

در نهایت با ذکر اضطرابی که اصحاب را در موت آن حضرت عارض شد (۳۰۵)، به پایان میرسد.

مناجات پایان کتاب: مناجات و عرض حاجت به قاضی‌الحاجات با حدود ۸۰ بیت، آخرین محتوای بحرالدین است:

بیت آغازین: خدایا بدان رحمت بی قیاس کزان یافت ارکان عالم اساس (۳۰۹)

بیت پایانی: شفیعم کن اندر قیامت رسول دعا ختم شد از کرم کن قبول (۳۱۰)

محتوای فلسفی رباعیات: در پایان کتاب سه رباعی ذکر شده که در دو رباعی نخست به نام «کوکبی» تخلص دارد و بدین ترتیب، نام شاعر در پایان منظومه ثبت شده است و رباعی سوم حاوی محتوای فلسفی است:

هرچند که اهل کشف و ارباب شهود گفتند بسی نکته ز اسرار وجود چون مرتبه اصل به کس رخ نمود ناگفته بماند آنچه اصل همه بود (۳۱۰)

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد منظومه بحرالدین به‌عنوان بخش دوم مثنوی طراز‌النبوه و حلقه متمم سنت خمسه‌سرایبی در قرن نهم، نمونه‌ای شاخص و کم‌شناخته از حماسه‌های دینی فارسی است. این اثر با بهره‌گیری از وزن متقارب - همان وزن حماسی شاهنامه و اسکندرنامه - و در قالبی روایی منسجم، سیره نبوی را از معجزات و پیشگوییهای پیش از تولد پیامبر(ص) تا رحلت ایشان را با جزئیاتی کامل و هنرمندانه به تصویر میکشد. از نظر سبک‌شناسی، شاعر با تلفیق هوشمندانه واژه‌های کهن فارسی و اصطلاحات عربی، خلق ترکیبات جدید و کاربرد پربسامد صور خیال به‌ویژه تشبیهات، استعاره‌ها و اغراقهای هنرمندانه، زبانی پویا و اثرگذار آفریده است. ساختار محتوایی اثر با توالی دقیق رویدادها، از تحمیدیه و نعت پیامبر آغاز شده و با پرداختن به مراحل گسترش اسلام، غزوات مهم، مسئله جانشینی و در نهایت رحلت پیامبر و سوگ یاران تکمیل میگردد. این منظومه با حجم قابل توجه ۳۱۰ برگ (۶۲۰ صفحه)، نه تنها حجیمترین بخش خمسه محیره کوکبی محسوب میشود، بلکه با تلفیق ژانرهای حماسی، ستایشی و عرفانی، تداوم بخش سنت سیره‌سرایبی متعالی در ادبیات فارسی است. براساس تجزیه و تحلیلهای سبک‌شناسانه انجام‌شده در این پژوهش، منظومه بحرالدین از تلفیق دو سبک خراسانی (در ساختار روایی - حماسی و کاربرد وزن متقارب) و سبک عراقی (در غنای تصویرپردازی، بهره‌گیری از صنایع بدیعی و محتوای عرفانی) شکل گرفته است. درونمایه اصلی اثر، ترکیبی از روایت حماسی غزوات پیامبر(ص)، مدیحه‌سرایبی دینی و مفاهیم عرفانی است؛ این ویژگیها، اثر را به‌عنوان نمونه‌ای بارز از تداوم و تکامل سنت سیره‌سرایبی در قرن نهم و بازتاب‌دهنده ادبیات آستانه عصر صفوی نشان میدهد. برای تکمیل پژوهش حاضر، تصحیح انتقادی متن و انجام

مطالعات تطبیقی با آثاری چون اسکندرنامه نظامی و دیگر سیره‌های منظوم پیشنهاد می‌گردد تا جایگاه واقعی این اثر در تاریخ ادبیات ایران، بیش از پیش روشن گردد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش هر دو پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی

با سپاس از حمایت‌های دانشگاه کوثر بجنورد، این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی توصیفی حماسه‌های دینی در قلمرو عثمانی» به شماره ۰۱۰۶۲۸۱۵۲۶ است که در یکصد و پنجاه و یکمین جلسه شورای پژوهشی این دانشگاه به تصویب رسیده است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این مقاله در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Abolghasemi, Mohsen (2016), *Historical Grammar of the Persian Language*; Tehran: Samt.
- Azimi, Habibollah (2009), *Principles and Fundamentals of Manuscripts*; National Archives and Library Organization.
- Bertels, Y.A. (2016), *Nizami, the Great Poet of Azerbaijan*; translated by Hamid Seddigh. Pavand.
- Bahar, Mohammad Taqi (2001), *Stylistics; Volume 1*, Tehran: Amir Kabir.
- Bahar, Mohammad Taqi (2004); *Stylistics; Volumes 1 and 3*, Tehran: Amir Kabir.
- Dahmardeh, Heydar Ali (2013), "A Language of Nizami's Language", *Literary Techniques*, 1/5, 81-96.
- Farshidvard, Khosro (2003), *Arabic in Persian*; Tehran: University of Tehran.
- Jan, Munawar and Abdolreza Seif and Mahmoud Fazilat (2004), "Stylistics of the Masnavi "Fihrest Jahan" from the Khamsa Muhaira by Alaeddin Kermani", *Stylistics of Persian Poetry and Prose*, 17/5(99), 343-369.
- Kermani, Alaoddin (Written 913 AH), *Bahr ol-Dorrain* (manuscript); Istanbul University Library, Issue 2019.
- Natel Khanlari, Parviz (2013), *Historical Grammar of the Persian Language*; Tehran: Toos.
- Radfar, Abolghasem (2008), *Nizami Ganjavi's Bibliography*; Tehran: Cultural Studies and Research Institute.
- Rashed Mohassel, Mohammad Reza (1936), *Descriptive Nomenclature of Persian Religious Poems*; Mashhad: Astan Qods.
- Shamisa, Sirous (2010), *Stylistics of Poetry*; Tehran: Mitra.
- Safa, Zabihollah (1985), *History of Literature in Iran; Volume 4*, Tehran: Ferdosi.
- Safa, Zabihollah (1992), *History of Literature in Iran; Volume 5*, Tehran: Ferdosi.
- Vaezzadeh, Abbas and et.al. (2012), "From Khamseh-e-Sora'i to Khamseh-e-Pajuhi"; *Persian Language and Literature*, Vol. 226, 133-167.

فهرست منابع فارسی

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۵)، *دستور تاریخی زبان فارسی*؛ تهران: سمت.
- برتلس، ی.ا (۲۵۳۵)، *نظامی شاعر بزرگ آذربایجان*؛ ترجمه حمید صدیق. پیوند.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۰)، *سبک‌شناسی*؛ جلد اول، تهران: امیرکبیر.
- بهار، محمدتقی (۱۴۰۳)، *سبک‌شناسی*؛ جلد اول و سوم، تهران: امیرکبیر.
- جان، منور و عبدالرضا سیف و محمود فضیلت (۱۴۰۳)، «سبک‌شناسی مثنوی «فهرست جهان» از خمسه محیره اثر علاءالدین کرمانی»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، ۱۷/۵(۹۹)، ۳۴۳-۳۶۹.
- دهمرد، حیدرعلی (۱۳۹۲)، «زبانهای از زبان نظامی»، *فنون ادبی*، ۵/۱، ۸۱-۹۶.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، *کتابشناسی نظامی گنجوی*؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۱۵)، *نام‌شناخت توصیفی منظومه‌های دینی فارسی*؛ مشهد: آستان قدس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۹)، *سبک‌شناسی شعر*؛ تهران: میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴)، *تاریخ ادبیات در ایران*؛ جلد ۴، تهران: فردوسی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، *تاریخ ادبیات در ایران*؛ جلد ۵، تهران: فردوسی.
- عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹)، *اصول و مبانی نسخه‌شناسی در کتب خطی*؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، *عربی در فارسی*؛ تهران: دانشگاه تهران.
- کرمانی، علاءالدین (کتابت ۹۱۳هـ.ق)، *بحرالدین (نسخه خطی)*؛ کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۱۳۹۸.
- ناطل خانلری، پرویز (۱۳۹۲)، *دستور تاریخی زبان فارسی*؛ تهران: توس.
- واعظزاده، عباس و دیگران (۱۳۹۱)، «از خمسه‌سرایی تا خمسه‌پژوهی»؛ *زبان و ادب فارسی*، ش ۲۲۶، ۱۳۳-۱۶۷.

معرفی نویسندگان

مریم ڈرپر: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کوثر، بجنورد، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: dorpar90@gmail.com)

(ORCID: 0000-0002-2356-4947)

مژگان میرحسینی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کوثر، بجنورد، ایران.

(Email: mmirhoseini@kub.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-1051-6396)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Maryam Dorper: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kowsar University, Bojnourd, Iran.

(Email: dorpar90@gmail.com : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-2356-4947)

Mojgan Mirhoseini: Professor, Department of Persian Language and Literature, Kowsar University, Bojnourd, Iran.

(Email: mmirhoseini@kub.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-1051-6396)